



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بجثمان در حجب بود و عرض کردیم حجب بر دو قسم یعنی حجب حرمان و حجب نقصان می باشد، گاهی افرادی از یک طبقه باعث می شوند افراد طبقه بعد کلاً از ارث محروم شوند که این می شود حجب حرمان و اما گاهی فردی سهم ارث دیگری را کاهش می دهد که این می شود حجب نقصان و بحث ما نیز در حجب نقصان بود.

عرض کردیم که طبق آیه شریفه: ﴿وَلَأَبْوَابِهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَتُهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ﴾^۱، یکی از موارد حجب نقصان إخوة می باشد که سهم مادر را از ثلث به سدس کاهش می دهد، البته عرض کردیم که محقق در شرایع شرایطی برای آن ذکر کرده و فرموده: «و أما حجب الإخوة فإنهم يمنعون الأم عما زاد عن السدس بشروط أربعة: الأول: أن يكونا رجلين فصاعداً، أو رجلاً وامرأتين أو أربع نساء.

الثاني: ألا يكونوا كفرة أو أرقاً، و هل يحجب القاتل فيه تردد و الظاهر أنه لا يحجب.

الثالث: أن يكون الأب موجوداً.

الرابع: أن يكونوا للأب و الأم أو للأب.»^۲

عرض کردیم که صاحب وسائل برای هر شرطی از این شروط أربعة یک بابی را منعقد کرده، اخبار شرط اول

در باب ۱۱ از ابواب موانع ارث صفحه ۴۵۶ از جلد ۱۷ وسائل الشیعة ۲۰ جلدی واقع شده است، اخبار شرط دوم در باب ۱۴ و ۱۵ از ابواب موانع ارث صفحه ۴۵۹ از جلد ۱۷ وسائل ۲۰ جلدی واقع شده است، اخبار شرط سوم در باب ۱۲ از ابواب موانع ارث و همچنین خبر ۳ از باب ۱۰ واقع شده اند و اخبار شرط چهارم در باب ۱۰ از ابواب موانع ارث صفحه ۴۵۴ از جلد ۱۷ وسائل ۲۰ جلدی واقع شده است.

خب و اما در شرط چهارم یعنی اینکه حتما إخوة أبوینی یا ابی باشد نه اُمی بین ما و عامه اختلاف نظر وجود دارد لذا کلام سید در انتصار را می خوانیم تا مطلب روشن شود: «مسألة: و مما انفردت به الإمامية: القول بأنه لا يحجب الأم عن الثلث إلى السدس الإخوة من الأم خاصة، و إنما يحجبها عنه الإخوة من الأب و الأم أو من الأب.

و خالف باقي الفقهاء(العامة)في ذلك، و ذهبوا إلى أن الإخوة من الأم يحجبون كما يحجب الإخوة من الأب و الام.

دلیلنا علی صحة ما ذهبنا إليه: الإجماع الذي قد تكرر. فإذا احتج علينا بظاهر قوله تعالى: "فإن كان له إخوة فلأمه السدس"، و أن الاسم يتناول الإخوة من الأم خاصة كما يتناول الإخوة من الأب و الأم.

قلنا: هذا العموم نرجع عن ظاهره بالإجماع، فإنه لا خلاف بين الطائفة في هذا.

و قول من يقول من أصحابنا: كيف يجوز أن يحجبها الإخوة من الأم و هم في كفالتها و مئونها؟ ليس بعله في سقوط الحجب، و إنما اتبعوا في ذلك لفظ الرواية،

^۱ سورة نساء، آیه ۱۱.

^۲ شرایع، محقق حلی، ج ۴، ص ۱۳، ط اسماعیلیان.

فإنهم يروون عن أئمتهم عليهم السلام أنهم لا يحبونها
 لا لأنهم في نفقتها و مئونها (يعنى تعبدى است).^۳
 امام رضوان الله عليه در تحرير الوسيلة يك مطلبى اضافه
 دارند که در کلام فقهاء نیست، ایشان می فرماید باید
 بين إخوة و أم مغايرت باشد لذا اگر یک نفر هم خواهر
 باشد و هم مادر کافی نیست و این فرض در وطى به
 شبهه متصور می شود که مثلا یک نفر با دختر خودش
 به خیال اینکه زنش هست آمیزش کرده و فرزندی از او
 بوجود آمده که در اینجا هم مادر است هم دختر، کلام
 ایشان این است: «سادسها - أن يكون بين الحاجب
 والمحجوب مغائرة، ويتصور عدمها في الوطاء
 بالشبهة».^۴

خب و اما صاحب جواهر اينطور فرموده: «وأما
 الحجب عن بعض الفرض المسمى بحجب النقصان
 فاثنتان: حجب الولد وحجب الإخوة .
 أما الولد فإنه وإن نزل ذكرا كان أو أنثى، يمنع الأبوين
 عما زاد عن السدسين، إلا مع البنت وحدها معهما،
 فإنه يبقى سدس يرد عليهم أخماسا عندنا، ومع أحدهما
 يبقى ثلث يرد عليهما أرباعا.
 أو البنتين فصاعدا مع أحد الأبوين فإنه يبقى أيضا
 سدس يرد عليهما أخماسا، خلافا لأبي علي، فخص
 الرد بالبنتين، وهو ضعيف كما ستعرفه إنشاء الله».^۵
 بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالى ...

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على
 محمد وآله الطاهرين

^۳ الانتصار، سيد مرتضى، ص ۵۸۰.

^۴ تحرير الوسيلة، امام خميني (ره)، ج ۲، ص ۳۷۳.

^۵ جواهر الكلام، شيخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۳۹، ص ۷۸، ط ۴۳ جلدی.